

## راهکارهایی برای تدوین در تاریخ شفاهی

مریم طالبی، مریم حاجی‌زاده و ساره مشهدی

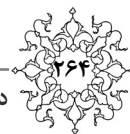
### چکیده:

تاریخ شفاهی روش خاصی از تاریخ‌پژوهی است که از طریق مصاحبه، به نقل شفاهیات پرداخته می‌شود. انتقال و تبدیل روایات شفاهی به شکل نشر مکتوب و معیار، یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی تاریخ‌شناسی است. این پژوهش به بیان راهکارهایی برای تدوین‌گران پرداخته است و هدف آن کمک به پیشرفت مصاحبه‌گران و تدوین‌کننده‌گان، به‌ویژه جوانان مشتاق در عرصه مصاحبه و تدوین است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات آن نیز از مطالعات کتابخانه‌ای و تجربیات علمی و عملی نگارندگان در زمینه مصاحبه و تدوین تاریخ شفاهی تهیه شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که روش‌های تدوین در مصاحبه شفاهی کدام است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تدوین مصاحبه بایستی از همان ابتدای مصاحبه، مورد توجه قرار گیرد، چراکه از همان آغاز اگر شیوه و باید و نبایدهای تدوین مشخص باشد، مصاحبه نیز به سمت و سوی مسیر تدوین سوق داده می‌شود و این کار در سهولت انجام تدوینی بهتر مؤثر است. علاوه بر این، بایستی دقت کرد تدوین که سامان‌دهی گفت‌وگوها و قراردادن آن‌ها در سازه و پیکره متن است، با در نظر گرفتن زبان و سیاق روایت صورت پذیرد.

### کلیدواژه‌ها:

تدوین، تاریخ شفاهی، مصاحبه، روش‌ها، تدوینگر.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۶۴-۲۸۱





## راهکارهایی برای تدوین در تاریخ شفاهی

مریم طالبی<sup>۱</sup>، مریم حاجی‌زاده<sup>۲</sup> و ساره مشهدی<sup>۳</sup>

### مقدمه:

تاریخ شفاهی از مستندات جدی تاریخ‌نگاری در ثبت وقایع است و در حوزه تاریخ‌نقلی (تاریخ شفاهی، خاطره‌نگاری و اسناد) قرار دارد. تاریخ شفاهی روش جدیدی برای جمع‌آوری اطلاعات و منابع شفاهی، ساماندهی، حفظ و نگهداری میراث به‌جای‌مانده از گذشته، جهت نسل‌های آینده در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی است. تاریخ شفاهی از راه مصاحبه‌های صوتی و تصویری با شاهدان وقایع و حوادث یا صاحب‌نظران در رشته‌های (اسکندری ساروجی، ۱۳۹۵) گوناگون، حاصل می‌آید و امری زنده و حاضر برای آشتی با طبقات نادیده اجتماع و تاریخ (کاظمی، ۱۳۹۵) است. بنابراین در حوزه تاریخ شفاهی، برای تاریخ‌نگاری، باید به‌سراغ مردم رفت زیرا تاریخ شفاهی، تاریخ‌نخبگان نیست، بلکه روشی برای کشف و اکتشاف وقایع کف اجتماع است (مرادی، ۱۳۹۴). تاریخ شفاهی یک رویکرد و روش نوین در تاریخ‌پژوهی است که در اصل با عبور از مفهوم تاریخ‌نگاری سنتی، توجه به تاریخ‌نگاری مدرن و گذر از آن به تاریخ اجتماعی به‌وجود آمده است که متأثر از مکتب آنال است و به طبقات فرودست و پائین اجتماع توجه می‌کند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸).

تاریخ شفاهی در جامعه ما در حال رشد است، اما واقعیت این است که گردآوری تاریخ شفاهی که از ارکان مهم تاریخ‌نگاری در جهان و در کشور ما محسوب می‌شود، با دشواری‌هایی روبه‌رو است. در حال حاضر در ایران چند شیوه تدوین شناخته شده است که همه آن‌ها نیز کاربرد دارد و براساس آن، «متن» تولید می‌شود. یکی از شیوه‌هایی که پژوهش حاضر نیز به‌منظور تدوین آن راهکارهایی را ارائه می‌دهد، شیوه پرسش و پاسخ است. در این روش مورخ شفاهی یا همان مصاحبه‌گر، که می‌تواند تدوینگر هم باشد یا نباشد، سؤال‌های مشخص و روشنی از فرد خاطره‌گو

۱. کارشناس دفتر آفرینش‌های ادبی و فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری شهرستان اراک، کارشناس زبان و ادبیات فارسی؛  
MaryamtalebiVA@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی؛  
zoha683@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی؛  
asemanshab65@yahoo.com



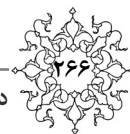
درباره موضوع خاصی یا موضوعات متعدد و حتی شرح خاطرات و زندگی فردی و اجتماعی وی می‌پرسد و عین پرسش و پاسخ‌ها، از متن نوار استخراج شده و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. در اکثر قریب به اتفاق مراکزی که این روزها در ایران در حال تولید خاطرات تاریخ شفاهی هستند، هیچ مبنا و اصول تئوریک و نظری وجود ندارد و رعایت نمی‌شود و نوعی سردرگمی و به هم‌ریختگی ایجاد شده است. بسیاری از مصاحبه‌کنندگان و تدوینگران تاریخ شفاهی، چیز زیادی از مبانی نظری کاری که انجام می‌دهند، نمی‌دانند. همه آنان به‌طور تجربی کار می‌کنند. در مقابل، پاره‌ای از استادان دانشگاه که مشغول مباحث نظری در زمینه تاریخ شفاهی هستند، علاوه بر اینکه تکیه‌گاه آنان غالباً کتاب‌ها و مقالات نوشته‌شده به زبان انگلیسی است، عموماً خود فاقد تجربه عملی در زمینه ضبط خاطرات شفاهی هستند و به اصطلاح عوام، هرگز پای کار نبوده‌اند. چنین شکاف دوسویه‌ای باعث شده تا فضای درهم، آشفتگی و سردرگمی، در زمینه خاطرات تاریخ شفاهی و به‌خصوص شیوه‌های تدوین آن به‌وجود آید که منجر به تولید آثاری غالباً غیراستاندارد و غیرعلمی شده است.

باید اعتراف کرد که امروزه در ایران تاریخ شفاهی دچار فقر مزمّن نظریه و نظریه‌پردازی است و چون نظریه‌پرداز تاریخ شفاهی ایرانی که داده‌های تئوریک وی مبتنی بر تجربه بومی و محلی ایرانی باشد، نداریم، بسیاری از مرزهای تدوین در تاریخ شفاهی درهم تنیده‌شده و هیچ معیار علمی و موردقبول خرد جمعی در این زمینه خاص وجود ندارد و رعایت نمی‌شود. وضع چنان شده است که هر کس با هر میزان درک و شناخت، خود را تدوینگر خاطرات و تاریخ شفاهی می‌داند (نوروند، ۱۳۹۰).

بنابراین به‌دلیل اینکه انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی شدت گرفته و ادامه دارد و روش‌های مختلفی برای تدوین آن‌ها به ذهن می‌رسد، ضروری است درباره روش‌ها بحث شود که هر روش چه نقاط ضعف و قوتی دارد تا پژوهشگران ضمن آشنایی بیشتر با روش‌ها، نقاط قوت و ضعف کارها را بشناسند و با مقایسه آن‌ها به یک الگوی مناسب برای هر روش، دست یابند. اگر بتوانیم قواعدی مشخص تعیین کنیم، علاقه‌مندان این روش یا روش‌های دیگر را انتخاب کرده، یا حداقل از کار هم باخبر می‌شوند تا آگاهانه و با شناخت کامل پیش روند (عزیزی، ۱۳۹۵).

این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. اطلاعات آن از مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و تجربیات عملی نگارندگان در زمینه مصاحبه و تدوین تاریخ شفاهی تهیه شده است. مطالعات میدانی این پژوهش عبارتند از مصاحبه با ۱۸ تن از فعالان انقلابی ادوار ۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش. در اراک، زیر نظر دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان مرکزی.

در تبیین و ارائه راهکارهای تدوین در تاریخ شفاهی از سوی مؤسسات مختلف، پژوهش‌هایی پیرامون انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران صورت گرفته است. ابتدا مؤسسه مطالعات و



پژوهش‌های سیاسی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران و مؤسسه مطالعات و تاریخ معاصر ایران به شیوه و روش تاریخ‌شفاهی - اما بدون ذکر چنین عنوانی - دست به تاریخ‌نگاری و تک‌نگاری زدند. پس از آن، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری و مرکز اسناد انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن مراکز با عنوان «تاریخ‌شفاهی» به ثبت‌وضبط خاطرات افراد مطلع اهتمام ورزیدند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و مدیریت اسناد و مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی نیز در این حوزه فعالیت کرده و آثاری را منتشر کرده‌اند. گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، به‌عنوان اولین مرکز علمی - دانشگاهی در ایران، در حرکتی پیشگام و پیشرو با برگزاری نشست‌های تخصصی تاریخ‌شفاهی به کمک سایر مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و مجریان پروژه‌های تاریخ‌شفاهی آمده است (کاظمی، ۱۳۹۵). هم‌چنین موسی فقیه‌حقانی، رئیس مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، تألیفات بی‌شماری در عرصه تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ‌شفاهی دارند. از تألیفات وی می‌توان به «تاریخ تحولات سیاسی ایران»، «خاندان پهلوی به روایت پهلوی» و «تاریخ معاصر ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی» اشاره نمود. از سال ۱۳۹۳ ش. انجمن تاریخ‌شفاهی، با همکاری مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، اقدام به برگزاری همایش‌های تاریخ‌شفاهی کرده است.

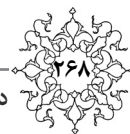
در این تحقیق به‌منظور توسعه مباحث نظری و کاربردی تاریخ‌شفاهی در عرصه تدوین، سعی شده است راهکارهای تجربه‌شده توسط نویسندگان این نوشتار، در اختیار سایر دوستان و علاقه‌مندان این عرصه، به‌ویژه تازه‌کاران جوان قرار گیرد. هدف اصلی این پژوهش این است که با ارائه تجربیات میدانی خود، به پیشبرد و تحقق ارائه الگوی مناسب روش‌های تدوینگری تاریخ‌شفاهی کمک کند. مطالب مطرح‌شده در این نوشتار جامع و مانع نیستند و هرگز ادعایی هم در پس این امر در این پژوهش وجود ندارد. این نوشتار به مانند سنگ‌اندازی در یک اقیانوس بی‌کران است. مسئله مصاحبه و تدوین در تاریخ‌شفاهی، تحقیقات و تجربیات افرادی که مدت‌ها در این عرصه فعالیت دارند و دارای تجارب گران‌بهایی هستند را می‌طلبد. مکتوب ساختن تجربیات آن‌ها، چراغ راه کسانی خواهد بود که بعدها وارد این عرصه خواهند شد و دیگر زمانی به وسعت یک عمر را صرف تجربه‌اندوزی افرادی که قبلاً تجربه کرده بودند، نمی‌کنند، بلکه تجربیات جدیدی را به مکتوبات نوشته‌شده می‌افزایند. باشد که این امر مورد توجه قرار گیرد.

### نکات مهم در مصاحبه

قبل از پرداختن به مقوله تدوین، بهتر است نکاتی در باب مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده بیان شود. تجربه حضور در مصاحبه‌های شفاهی و تدوین آن‌ها، نشان داده است در تدوین تاریخ‌شفاهی، برای آنکه یک متن مدون جامع تهیه شود، بایستی مصاحبه‌گر دارای ویژگی‌هایی باشد. علاوه بر آن می‌بایست در حین مصاحبه نکاتی را مدنظر داشته باشد که به مواردی از آن، در ذیل اشاره می‌شود:



۱. ضرورت وجود یک مصاحبه‌گر با انگیزه: مصاحبه‌کنندگان و تدوینگران تاریخ‌شفاهی، باید افرادی علاقه‌مند و تاریخ‌دان باشند. افرادی که در پرسش‌های خود به دنبال دستیابی به حقیقت هستند و همراه با رعایت ادب، شجاعانه سؤال می‌کنند. این گروه باید کنج‌کاو و در جست‌وجوی جزئیات وقایع و حقایق باشند (کارگاه تخصصی مصاحبه، ۱۳۹۵).
۲. افزایش اطلاعات در مورد موضوع: مصاحبه‌کننده بایستی قبل از مصاحبه معلوماتش را در باب موضوع مصاحبه افزایش دهد. مورخ شفاهی کسی است که به موضوع مورد مطالعه احاطه داشته باشد. این کار در جهت جلب اعتماد راوی به مصاحبه‌گر مؤثر است. در واقع هر چقدر مصاحبه‌گر با آمادگی بیشتری با شخصیت مورد نظرش مصاحبه کند، بهتر می‌تواند حرف‌های او را ارزیابی و مصاحبه را در مسیر درستی هدایت کند که بازدهی بیشتری داشته باشد (آزبورن و سایر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). از آنجایی که تاریخ‌شفاهی مربوط به کوچه، خیابان و اجتماع مردم است، مصاحبه‌کننده باید اطلاعات میدانی، منطقه‌ای و جغرافیای بومی خود را نیز افزایش دهد. در واقع اگر کسی بخواهد وارد عرصه تاریخ‌شفاهی شود، باید علم تاریخ بداند و از متون و گزاره‌های تاریخی آگاه باشد و بر موضوع و مسئله مدنظر خود تسلط داشته باشد (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸).
۳. استفاده از کاغذ و قلم: هنگام مصاحبه، مصاحبه‌گر یا مصاحبه‌گران باید کاغذ و قلم به‌همراه خود داشته باشند تا هنگام صحبت‌های راوی هر کجا ابهامی برایشان پدیدار شد یا قضیه‌ای به‌شکل کلی مطرح گشت آن را یادداشت کرده و در فرصت مناسب در همان جلسه سؤال کنند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸).
۴. توجه به جزئیات: پرداختن به جزئیات و یادآوری زوایای مختلف خاطره، روایت را زنده و واقعی‌تر نشان می‌دهد و آن را قابل لمس‌تر می‌سازد. جزئی‌نگری در مصاحبه از جمله نکات مهم و قابل ذکر است که مصاحبه‌گر باید به آن توجه داشته باشد. اگر از این نکته چشم‌پوشی شود، خاطره یا روایت راوی به سمت‌وسوی کلیات پیش خواهد رفت، برای همین مصاحبه‌گر باید با گوش‌دادن دقیق و پرسش سؤالات جزئی و بدیهی، از این مسئله اجتناب نماید. سؤالات بدیهی سؤالاتی هستند که به‌نظر مصاحبه‌کننده جواب آن‌ها مشخص است و به‌همین خاطر ضرورتی نمی‌بیند تا از راوی پرسشی نماید؛ درحالی‌که بایستی چنین مسائلی از نظر راوی مشخصاً بیان شود تا متن در آینده از این حیث ناقص نباشد.
۵. پرسش از انگیزه‌ها، احساسات و علل رفتارهای راوی: نقش احساسات و انگیزه‌ها در تاریخ‌شفاهی و انتقال آن به خواننده، در تاریخ‌نگاری مکتوب مهم است. در تاریخ‌شفاهی باید احساسات و علل رفتارها یا عملکردها را انتقال داد (کاظمی، ۱۳۹۵). انگیزه و رفتار انسان‌ها در شرایط خاص و تصمیم‌گیری‌های آنان در گذشته، به روشن‌تر شدن اهداف و شخصیت راوی کمک



- کرده و مخاطب تاریخ شفاهی را با شرایط آن دوران بیشتر آشنا می‌کند.
۶. منعکس شدن حرفه و جایگاه اجتماعی راوی در خاطرات وی: انعکاس پیشه مصاحبه‌شونده در گفته‌های وی مهم است و مصاحبه‌گر می‌بایست به شغل و جایگاه اجتماعی فرد توجه کند؛ طوری که خاطره هر قشر و صنفی، عطر و بوی آن صنف را داشته باشد (داودآبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۶).
۷. روشن‌سازی نظرات و کلمات مبهم راوی: گاه در بیان مصاحبه‌شونده، کلمات و جملاتی ابراز می‌شود که به‌نظر واضح و قابل فهم هستند، اما در ورای معنای ظاهری، دارای مفاهیم و مصادیق متفاوت و گاه متناقض هستند و برای خواننده درباره مفاهیم، معنا و مصادیق‌های این جملات و کلمات؛ ابهام ایجاد می‌شود. برای مثال وقتی گوینده می‌گوید: «ما خیلی مذهبی بودیم» (جوهری، مصاحبه، ۱۳۹۴)، «مذهبی‌بودن» عبارتی است که معانی و مفاهیم بی‌شماری دربر دارد. بنابراین مصاحبه‌گر باید بپرسد که منظورتان از خیلی مذهبی چیست؟ برایم شرح دهید یا خاطره‌ای بیان کنید که تصویر روشنی از خیلی مذهبی‌بودن شما به خواننده ارائه نماید.
۸. گاه مصاحبه‌شونده با ایماء و اشاره منظور خود را بیان می‌کند و مصاحبه‌گر هم بدین‌وسیله برایش مبرهن است که مقصود و منظور راوی چیست؛ اما باید توجه داشت که این ایماء و اشارات راوی باید روی کاغذ یا موقع ضبط تشریح شود. برای مثال در جملات «در آن حادثه اینجای دستم آسیب دید» یا زمانی که مصاحبه‌شونده بادستش اشاره می‌کند که مثلاً «... گفت: اینقد با انقلاب فاصله داریم»؛ دو کلمه «اینجای دستم» و «اینقد» باید با توضیحات بیشتری گویا شوند.
۹. تأکید بر رابطه راوی با موضوع: رابطه راوی با موضوع باید همواره محور تمام سؤالات و پاسخ‌ها باشد. هر جا که راوی این موضوع را فراموش کرد، مصاحبه‌گر باید آن را یادآوری کند.
۱۰. راستی‌آزمایی: در مصاحبه بایستی از اعتماد و اعتنای صرف به گفته‌های مصاحبه‌شونده اجتناب شود. عمده‌ترین تفاوت تاریخ شفاهی و خاطرات شفاهی، موضوعیت داشتن کنش حقیقت‌یابی در تاریخ شفاهی و اهتمام مورخ شفاهی به انطباق سخنان مرجع روایت با امر واقع است. مصاحبه‌گر می‌تواند با آگاهی به زمان وقوع رویدادها و شرایط وقوع آن‌ها، آگاهی به مکان و جای وقوع رویدادها، یارگیری از ادله عقلی، تحلیلی و استدلالی، یارگیری از قرائن و شواهد تأییدکننده و دقت در جزئی‌نگری و جزئی‌نگاری (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۳ و ۱۹)، به این امر دست یازد. برخی مصاحبه‌ها لایحه دفاعیه و براءت‌جویی از تقصیرها و کاستی‌ها است و برخی نیز می‌کوشند تا نقش خود را، در رخدادها و حوادث تاریخی پررنگ کنند (کاظمی، ۱۳۹۵). یک راهکار برای راستی‌آزمایی بیانات راوی به این صورت است که مصاحبه‌گر در باب ادعا یا سخن



مصاحبه‌شونده، خواستار بیان خاطره یا روایت همراه با جزئیات شود. این ترفند کمک می‌کند مصاحبه‌گر قانع شود که آیا به راستی راوی مطلبی برای گفتن در زمینه موردنظرش دارد یا خیر. در حقیقت نکته مهمی که باید مصاحبه‌گر در باب راوی یا مصاحبه‌شونده مدنظر داشته باشد، اعتبار و جایگاه اجتماعی اوست. بررسی موقعیت و جایگاه صاحب‌خاطره، دقت و توجه به مسئله خودمحوری و وارونه جلوه‌دادن سیر وقایع از سوی مصاحبه‌شونده، کمک زیادی به مصاحبه‌گر در جهت هدایت مصاحبه و راستی‌آزمایی گفته‌های راوی است.

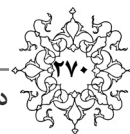
۱۱. نکات بیان‌شده از جمله مواردی هستند که رعایت آن‌ها توسط مصاحبه‌کننده در سهولت کار تدوین بسیار اهمیت دارند.

### راهکارهایی برای تدوین

تدوین یعنی ریختن گفت‌وگو در سازه و کالبد و پیکره متن، با درنظرداشتن زبان و سیاق روایت (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۷۷). کسی که کار تدوین انجام می‌دهد، از یک سو باید به مصاحبه‌شونده و از سویی دیگر به مخاطب توجه بکند، باید تلفیق این دو را فراهم کند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۸۲) تا بتواند متنی مناسب مدون سازد. در باب ویراستاری تاریخ شفاهی، یک بایست‌نامه و شیوه‌نامه علمی در باب تدوین و به سامان‌سازی خاطرات نداریم. برخی از افراد از طولانی‌شدن مصاحبه‌ها و نیز دادن فرصت تصحیح به مصاحبه‌شوندگان پس از ویراستاری، به‌عنوان غلط فاحش تاریخ شفاهی یاد می‌کنند و معتقدند غلط‌های املائی و نگارشی متن مکتوب خاطرات هر کسی، دلالت تاریخی دارد و نباید آن را تصحیح کرد، بلکه باید آن را گویا کرد و در ذیل و پیوست توضیح داد. اما عده‌ای معتقدند باید در نظر داشت کاری که تولید می‌شود با توجه به هدف است و اینکه این کتاب‌ها برای مخاطب عام طبع می‌شود، نه برای متخصص. برای فرد محقق و متخصص، آرشیو و اصل منبع محفوظ است، ویراستاری هم لاجرم کار است، چراکه مصاحبه‌شونده متکی بر ذهن و حافظه سخن گفته و احتمال خطا و اشتباه بر آن مترتب است. هم‌چنین ارائه نعل‌به‌نعل مصاحبه و عین جملات مصاحبه‌شونده، خواننده را خسته می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۵). در تدوین بایستی کارهایی صورت پذیرد که متن را خوانش‌پذیر کند، البته بایستی ساز و ساختاری در تدوین طراحی شود که معنای ثانوی بر متن باز نکند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۸۲).

با توجه به مسائل فوق، در این بخش به بیان نکاتی پرداخته می‌شود که یک تدوینگر هنگام تدوین مصاحبه پیاده‌شده، با آن روبه‌رو خواهد شد. در همین راستا راهکارهای ذیل، برای سهولت در تدوین خاطرات تاریخ شفاهی ارائه می‌شود:

- انگیزه مراکز تحقیقاتی از جمع‌آوری و انتشار خاطرات (اسکندری ساروجی، ۱۳۹۵): توجه به انگیزه مراکز تحقیقاتی از جمع‌آوری و انتشار خاطرات باعث می‌شود هدف تدوینگر مشخص



گردد و بداند در ادامه کار چه چارچوبی را مدنظر داشته باشد.

- مصاحبه‌گر و تدوینگر یکی باشند: مصاحبه‌گری که قرار است تدوین را نیز خودش بر عهده گیرد، می‌داند که از همان ابتدا باید از تولید یک مصاحبه بیمار، پیشگیری کند تا هنگام تدوین، نیاز به درمان مصاحبه پیدا نکند. بنابراین، جهت راحتی کار هنگام تدوین، از آغاز مصاحبه دقت و ریزبینی‌های لازم را اعمال خواهد ساخت. در واقع مصاحبه‌کننده باید کارش به تدوین هم بیانجامد. تفکیک بین تدوین و مصاحبه تفکیک نابه‌جایی است. اگر احیاناً قرار باشد کسی مصاحبه و کس دیگری آن را تدوین کند، این دو بایستی کاملاً با هم هماهنگ عمل کنند و ذهن، روش و روح آن‌ها بسیار به هم نزدیک باشد (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵).
- تدوین گروهی: انجام تدوین به شکل گروهی چون سبب تعامل اندیشه‌ها بین افراد گروه است، به تدوینگران مبتدی توصیه می‌گردد، همچنان که مصاحبه گروهی از مصاحبه تک‌نفره به‌ویژه برای افرادی که تازه وارد این کار شده‌اند، مناسب‌تر است، زیرا سؤالاتی که به ذهن افراد گروه می‌آید، متفاوت است. مصاحبه گروهی در هنگام تدوین نیز مزایای خود را نشان خواهد داد. به‌طور مثال ابتدا هر شخص یک مصاحبه را تدوین و بعد در جلسه‌ای جداگانه افراد گروه تدوین‌های انجام‌شده را نقدوررسی می‌کنند. در این نوع تدوین، میزان خطا کاهش می‌یابد.
- چند بار خوانش متن مصاحبه: در ابتدا سعی کنیم حداقل دو یا سه بار متن مصاحبه را بخوانیم. این کار تسلط، تمرکز و سرعت تدوین را افزایش می‌دهد.
- تفکیک اطلاعات ضروری و غیرضروری مصاحبه: اطلاعات ضروری، مفید و واقعی را حفظ کنیم و اطلاعات غیرضروری (مبالغه، تحلیل وقایع، اطناهای ملال‌آور، پرگویی، مکررگویی، پراکنده‌گویی و حشوگویی) را حذف کنیم. برای انجام این کار ابتدا باید سؤال و جواب متن پیاده‌سازی، موردبررسی تدوینگر قرار گیرد تا بخشی که نیاز است حفظ شود و قسمتی که نیاز نیست، حذف گردد. به‌عنوان مثال در آغاز یک مصاحبه آمده: «گفت‌وگو می‌کنیم با آقای حسینی از بازنشستگان ماشین‌سازی» (حسینی‌نسب، مصاحبه، ۱۳۹۴). در این جمله اطلاعات اصلی شامل «آقای حسینی از بازنشستگان ماشین‌سازی» را باید نگه داشت و سایر اضافات حذف شوند. این روال باید تا پایان متن مصاحبه ادامه یابد. ذکر و حفظ سال و ماه رویداد از جمله نکات مهم در مستندسازی یک واقعه محسوب می‌شود. تغافل از این امر، از ارزش استناد به آن به شدت خواهد کاست. پس بایستی حتماً به آن توجه شود. حضور کلمات و جملات زائد سبب آشفتنگی و بی‌نظمی در متن می‌شوند، بنابراین باید حذف شوند.
- تکرار نوعی دلزدگی را در خواننده ایجاد می‌کند و علاوه بر این، از زیبایی متن می‌کاهد. در گفت‌وگوهای محاوره‌ای اگر موضوعی را چند بار به شنونده بگویم، شاید چنان موردتوجه نباشد، اما اگر به تحریر آورده شود؛ این تکرار به شدت به چشم می‌خورد. برای مثال در جمله « آقای

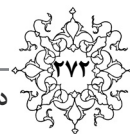




بطحایی و میری موقع برگشت با ما نیامدند و ما زودتر از آن‌ها آمدیم. مجلس که تمام شد هر کس سوار وسیله خودش شد. خودشون جدا آمدن. آقای میری و بطحایی هم جدا آمدند. من دیگه آن‌ها را ندیدم» (صفایی، مصاحبه، ۱۳۹۴). با حذف جملات تکراری، جمله این‌گونه نوشته می‌شود: «مجلس که تمام شد هر کس با وسیله خودش برگشت. آقای بطحایی و میری موقع برگشت با ما نیامدند، ما زودتر از آن‌ها برگشتیم»؛ یا در جمله «ولی چند وقت بعد، یکی دو ماه بعد او را آزاد کردند» (صفایی، مصاحبه، ۱۳۹۴). باید این‌چنین تدوین گردد: «یکی دو ماه بعد او را آزاد کردند». در برخی از موارد، مطلب بیان‌شده توسط راوی ناقص و بیان آن در متن، غیرمرتبط است و هر چه توسط مصاحبه‌گر سؤال می‌شود، چیزی به‌خاطرش نمی‌آید؛ در این صورت باید حذف گردد. همانند این جمله که از سوی راوی توضیح بیشتری در مورد آن داده نشده و نامفهوم باقی مانده است: «یک‌بار آقای سعیدی رفت منبر و یک مقدار دیر پائین آمد و بچه‌ها گفتند حاجی دیر آمدی گفت دیگه دیر شد» (صفایی، مصاحبه، ۱۳۹۴)! گاه راوی مطالبی را بیان می‌کند که به اصل موضوع ربطی ندارد که این مطالب نیز باید حذف شوند.

کلماتی که به تکه کلام معروف هستند و بعضی از افراد در بیشتر جملات بیان می‌کنند ولی هیچ نقشی در ارائه اطلاعات ندارند، جزو زوائد هستند و باید حذف گردند؛ نظیر آقایی که شما باشی، آمپاس، واقعاً، آقا دیدم، در واقع، می‌دانید که، متوجه هستید، به قول معروف، خوب، چیز، بعداً، عرض کنم و ... هم‌چنین اصواتی مانند اهوم، آها و ... را هنگام تدوین باید حذف کرد یا اگر نیاز است کلمات مناسبی مانند بله، خیر و ... به جای آن‌ها قرار داد (شیوه‌نامه تاریخ شفاهی، ۱۳۹۲، ص ۳۴). حرف ربط «و» از مواردی است که در صورت استفاده زیاد، علاوه بر طولانی شدن جمله، باعث نامفهوم شدن جمله می‌شود؛ در این صورت باید حذف گردد و جای خود را به نقطه «.» بدهد. یکی دیگر از مواردی که در تدوین یک فرد مبتدی بسیار دیده می‌شود، وجود افعال تکراری است. این کار به قدری تکرار می‌شود که لازم است حتماً حذف گردد. مثال: «... هم فرار کنیم هم در یک سخنرانی شرکت کنیم» = هم فرار و هم در یک سخنرانی شرکت کنیم (جودکی، مصاحبه، ۱۳۹۴). «... کسی جرئت نمی‌کرد اسم انقلاب را ببرد. علیه شاه حرفی بزند! اصلاً حرف زدن علیه شاه جرم بود. می‌گرفتند، زندانی داشت رعب و وحشتی بود که کسی جرئت نمی‌کرد» = افعال جرئت نمی‌کرد و بود تکرار شده است (جودکی، مصاحبه، ۱۳۹۴).

یکی از روش‌های خوب برای حذف تکرار، ادغام مضامین در یکدیگر است. برای مثال در این دو جمله، چون تکمیل‌کننده هم هستند، می‌توان آن‌ها را چنین ادغام کرد: «... قایم شدم و یک تا دو ساعت بین درختان بودم» = یک تا دو ساعت بین درخت‌ها قایم شدم (مطیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴). پس تدوینگر خوب باید بتواند مضامین مشابه را یافته و آن‌ها را با هم ادغام کند. بهتر است عناوینی چون دکتر، مهندس و نیز القابی که بعدها افراد صاحب آن‌ها می‌شوند، در متن ذکر نشوند



یا حداقل در پانویس یا پراکنش آورده شوند. آنچه مهم است، عناوین و القاب افراد در گذشته‌ای است که راوی از آن روایت می‌کند. این مسئله در مورد حیات این اشخاص هم صدق می‌کند؛ مثلاً در جمله «مرحوم آقای پرویز شهرداری استاد تاریخ فلسفه ما بود»، باید کلمه «مرحوم» حذف شود (معصومی، مصاحبه، ۱۳۹۴).

از جمله حذفیات دیگر، فحش، ناسزا و حرف‌هایی از این موارد است که بهتر است در تدوین، به آن پرداخته نشود. هم‌چنین می‌بایست پاره‌ای از اظهارات مرجع روایت را که گفته‌های سلیقه‌ای اوست نیز حذف نمود (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۳). البته باید در نظر داشت که تأکید بر حذف نباید سبب شود تا تدوینگر به راحتی به حذف مطالب مبادرت ورزد. بنابراین باید به‌هنگام تدوین، به ضرورت حذفیات مصاحبه، توجه کرد. همان‌گونه که عدم حذف زوائد سبب ابهام در متن می‌شود، حذف‌های بی‌مورد نیز گویاسازی متن را دچار مشکل می‌کند.

• رعایت ترتیب زمانی و پیوستگی رویدادها: بعد از حذف اضافات، بایستی اطلاعات اصلی در متن چیدمان و تنظیم شوند. این مرحله با توجه به نوع روش هر تدوینگر متفاوت است. لازم است در چینش محتوا و مندرجات متن، روال خطی زمان و موضوع را در نظر بگیریم. اگر مصاحبه‌شونده در جلسه پنجم مصاحبه مطالبی گفته است که به زادگاه و محیط خانواده‌اش برمی‌گردد، باید این بخش را قیچی کرده و به بخش مرتبط با آن -مثلاً جلسه اول- منتقل کنیم (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۷۷).

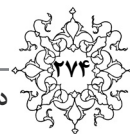
در کنار این مسئله باید روایات، در مکان اصلی خود قرار گیرند. به‌عنوان مثال هنگامی که از مساجد فعال دوران انقلاب صحبت می‌شود، همه مطالب مربوط به این موضوع باید در یک‌جا و در محدوده زمانی خاص خود نگارش شوند. در ادامه همین کار، اگر اسم مکان یا شخصی ناشناس در متن آورده شده است، بایستی توضیح و شرحی که برای شناساندن آن به خواننده بیان می‌شود، در اولین باری که نام مکان یا شخص ذکر شده است آورده شود؛ در غیر این صورت علاوه بر آشفتگی ظاهری متن، تدوین انجام‌شده دچار ابهام و نامفهومی خواهد شد.

• تبدیل زبان شفاهی / گفتار به زبان نوشتار: در تدوین یک مصاحبه بایستی حداقل امکان سعی شود زبان گفتار به زبان نوشتار و معیار تبدیل و نزدیک شود. این امر باید در تمام متن اعمال شود، زیرا در صورت عدم رعایت و توجه به این مسئله، متن یکدست نخواهد شد. علاوه بر این، در بسیاری از مواقع سبب نامفهوم‌شدن متن می‌گردد. در این زمینه در ذیل مثال‌هایی آورده شده است:

- صحیح از روستای نمک‌کور به اراک می‌آمدیم و تا ظهر راهپیمایی این‌ور و آن‌ور بودیم = صحیح از روستای نمک‌کور به اراک می‌آمدیم و تا ظهر راهپیمایی بودیم.



- ایشان در سخنرانی‌هاشون = ایشان در سخنرانی‌های خود
- بهمون = به ما
- همراهمون = همراه ما
- خودشون = خودشان
- سوفور موفورا = سوفورها
- شکاندن = شکستند
- آجیل‌ها را گرفتن گونی و گرده و تماش را بردند = تمام آجیل‌ها را داخل گونی کردند و بردند
- ریختیم توی باغ ملی = در باغ ملی جمع شدیم
- زدندش بافتاد پائین = با تیر او را زدند و از مجسمه پائین افتاد
- دکون = دکان
- ته محسنی = انتهای محسنی
- نه بابا این نه کاره‌ایه نه چیزی = او کاره‌ای نیست
- نمی‌دونیم خرجیمون از کجا درمی‌آمد = نمی‌دانم هزینه زندگی‌ام چگونه تأمین می‌شد
- از صبح تا شوم = از صبح تا شب
- هی فکر این بودم که ... = مدام در فکر این بودم که...
- الانم هستش = الان هم زنده است
- اعلامیه‌ها را جاگیر کردم = اعلامیه‌ها را جاسازی کردم
- دیگه هیچیم نمی‌موند = زنده نمی‌ماندم (ربیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
- رسوندیم = رساندیم
- وایستادند = ایستادند
- پاشودن = بلند شدن
- ازش = از او
- خانوم‌ام = خانم من (جودکی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
- اوجشون = اوج آن
- یکی شون = یکی از آن‌ها
- سنشون = سن او یا سنش
- کوچیک = کوچک
- ایشان = ایشان
- پاهاش = پاهایش (شریفی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
- و...



در همین راستا بایستی فعل‌ها در جای مناسب خود یعنی در آخر جمله قرار گیرند. در مثال‌های زیر فعل‌ها در جای نامناسب آمده‌اند: «آماده بودیم چوب به‌دست»، «می‌آمدیم اول میدان امام (ره)»، «فردا بیاید آستانه یا شازند»، «کسانی که سخنرانی کردند آقای بطحایی و میری بودند». گاهی دیده می‌شود که فعل‌ها بدون ضرورت حذف می‌شوند که این امر خود سبب ابهام معنای جمله می‌شود. مانند: «هر کسی یک اورکت تنش بود توی ماشین و پیاده شد»، فعل [انداخت] در این جمله حذف شده است و باید گفت: [توی ماشین انداخت]. یکی دیگر از مواردی که باید به آن نیز توجه کرد، به‌کاربردن فعل مناسب است. برای مثال در این جمله: «ماجرای سنگ‌پرت‌کنی به چماق‌دست‌ها قبل شهادت نبئی بود» (ربیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴). فعل مناسب این جمله، «رخ داد» است. در جمله «من در تظاهرات اراک بودم»، باید گفت: «من در تظاهرات اراک شرکت می‌کردم» (صفایی، مصاحبه، ۱۳۹۴).

«من» و «ما»: در اغلب گفت‌وگوهای شفاهی، راویان از بیان واژه «من» خودداری نموده و به‌جای آن از واژه «ما» استفاده می‌کنند. برای مثال این راوی می‌گوید: «از آنجاکه ما کسی را جز خدا نداشتیم گفتم من فقط خدا را دارم» (مطیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴). در این جمله مشخص است که منظور راوی از «ما» خودش است. اگر در یک جمله مشخص نباشد که «ما» همان خود راوی است، باید سؤال شود. گویاسازی بین دو ضمیر «ما و من» حائز اهمیت فراوان است و باید مشخص شود منظور فرد مصاحبه‌شونده خود اوست یا جمع و گروهی را مدنظر دارد.

- گویاسازی کلمات و جملات: تدوینگر باید طبق داده‌های متن، روایات نامفهوم و مبهم را گویاسازی کند. موارد زیر به‌عنوان مثال درج می‌گردد:
  - ستون انقلاب اینجا جمع می‌شد = مسجد (آقا ضیاء‌الدین) ستون انقلاب در اراک بود.
  - از آدمای نمک‌کور شیخ رحیم مقدسی همراه ما بود = از افراد سرشناس نمک‌کور شیخ رحیم مقدسی همراه ما بود.
  - این طایفه با شاه بودند = این طایفه هواخواه شاه بودند.
  - پاهاشون را داده بودند بالا = شلوارهایشان را بالا داده بودند (صفایی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
  - این طایفه هم به‌خاطر اینکه مواد ملون گیرشون بیاید به ما حمله کردند = این طایفه به‌خاطر منافع خود (به دست آوردن مواد مخدر) به ما حمله کردند. (ربیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
  - نم چه آدم غلطی بود = آدم بسیار بدی بود (حقیقی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
  - نصف انگشتانش هم رفته است = نصف انگشتانش قطع شده است.
  - با آجر توی کلشون بکوبیم = با آجر توی سرشون بزنی.
  - بانک خرد کردند = شیشه‌های بانک را شکستند (ربیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴).
  - گفتم دستگیرمون نکنند = ممکن بود دستگیرمان کنند. (جودکی، مصاحبه، ۱۳۹۴).

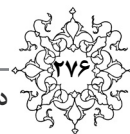


- مربوط به رژیم شاه بود = منتسب به رژیم شاه بود (پویا، مصاحبه، ۱۳۹۴).  
برای بیان مقصود راوی باید سعی گردد از جملات کوتاه استفاده شود. در امر تدوین نایستی جملات را خیلی طولانی و بلند کنیم، چون این کار باعث می‌شود اصل مطلب دیر فهمیده شده و از جذابیت آن کاسته شود.

• رفع تناقض موجود در مصاحبه: گاهی راوی در جریان مصاحبه دچار دوگانه‌گویی می‌شود و بر تدوینگر هم روشن است که این تناقض ناشی از حالات روحی و مشکلات خانوادگی یا اجتماعی یا سیاسی حاضر او یا فراموشی و گذشت زمان است، تضادی که اصل مصاحبه اولیه را زیر سؤال می‌برد. برای مثال مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «نزدیک بیمارستان پهلوی راننده‌ای را زده بودند با تیر ما دوان دوان و خزیده خزیده رفتیم و جنازه را از جوب بیرون کردیم و بردیم بیمارستان، دو روز بعد فوت کرد». اما در جلسه بعد وقتی مجدد مصاحبه‌گر از او می‌پرسد گفتید که جنازه‌ای را نزدیک بیمارستان پهلوی بیرون کشیدید، بیان می‌کند: «نزدیک بیمارستان ولیعصر بود که زده بودندش و افتاده بود بیرون، بردیمش بیمارستان و درمان شد» (ایمانی‌نسب، مصاحبه، ۱۳۹۴). در این موارد و هنگامی که راوی در جریان پرسش‌های بیشتر (برای رفع تناقض‌های موجود) باز هم از برگشت به موضع قبلی خود طفره می‌رود و دیگر حاضر به همکاری نیست؛ باید مجدداً تحقیق بیشتری (مصاحبه تکمیلی، جست‌وجو در اسناد و مدارک) صورت گیرد تا مدارک کافی به دست آید و تناقض‌ها رفع شود (آزبورن و سایر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵ و ۱۷۶).

نباید به فرض رساندن معنا یا هم‌شکل بودن کلمات با یکدیگر، از آن‌ها به‌جای هم استفاده کرد، زیرا شاید گاه دو واژه شبیه به هم باشند اما هر کدام به اقتضای معنا، مکان مناسب خود را در جمله خواهند داشت؛ مانند قلمستان و درخت‌ها. برای مثال راوی می‌گوید: «در بین قلمستان قایم شدم» (مطیعی، مصاحبه، ۱۳۹۴). هنگام تدوین، تدوینگر جهت آگاهی خواننده در پرازنز یا پانوشت نوشته است: «درخت‌ها»؛ درحالی‌که معنای قلمستان نهالهای درخت است که امکان پنهان شدن در بین آن‌ها نیست. این وظیفه تدوین‌کننده است تا این تناقض را از بین ببرد.

• رعایت و اعمال علائم نگارشی: برای تولید یک متن تدوین‌شده رسا و روان، باید نکات ویرایشی و نوشتاری رعایت شود. استفاده از علائمی مثل سؤال (?)، تعجب (!)، ویرگول (،)، دو نقطه (:) و مانند آن‌ها سبب می‌شود متن راحت‌تر خوانده شود (شیوه‌نامه تاریخ شفاهی، ۱۳۹۲، ص ۳۵). البته بایستی هر کدام از این علائم در جای مناسب خود به کار برده شوند و اهمیت این مسئله در خوانش متن چشمگیر است، وقتی بدانیم که معنی یک جمله با یک ویرگول تغییر پیدا خواهد کرد. پس باید در استفاده از علائم نگارشی دقت بیشتری نمائیم.



• کمک‌گرفتن از ادبیات: نوشتاری که خالی از ادبیات باشد، مثل جسم بی‌روح است. در بسیاری از موارد بهره‌گرفتن از ادبیات برای تدوین یک مصاحبه به درک و فهم رفتارها، دیالوگ‌ها و عکس‌العمل‌ها کمک می‌کند. همین‌طور باید دقت شود که استفاده از اهرم ادبیات سبب کاهش ارزش تاریخی اثر نشود. در حقیقت در تدوین تاریخ، آن چیزی که ارجحیت دارد، اصل واقعیت است.

بهره‌گرفتن از ادبیات باید به روانی قلم کمک کند، پس قلم نوشتار باید از یک حد بینابینی برخوردار باشد، نه ساده که ارزش ادبی آن را پائین بیاورد و نه پیچیده که فقط مخاطب خاص توانایی فهم و درک آن گفته‌ها را داشته باشد. البته در کنار این مسئله، امری که نبایستی هیچ‌گاه نادیده گرفته شود، لحن مصاحبه‌شونده است و باید لحن وی حفظ شود. مثلاً اگر مصاحبه‌شونده بی‌سواد است، ما متن مصاحبه را طوری تدوین نکنیم که برای مخاطب، مصاحبه‌شونده فردی با تحصیلات عالی جلوه نماید.

• بهره‌گیری از اسناد موجود: تاریخ‌شفاهی یعنی تاریخ، متنها به‌جای اینکه اسناد مرسوم دست‌مایه تحقیق باشند، اظهارات واکاویده و پرسش‌شده از آگاهان واقعه، دلیل اصلی تهیه اثر هستند. اظهارات مرجع روایت در تاریخ‌شفاهی تقریباً جای اسناد را می‌گیرد، اما نه به این معنا که اسناد محل رجوع و توجه مورخ شفاهی نباشد (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷). در وقوع حوادث تاریخی که در حیطه پژوهش تاریخ‌شفاهی قرار می‌گیرد، خواه‌ناخواه اسنادی مکتوب تولید می‌گردند که این گزارش‌ها به جهت تعیین زمان، مکان و نحوه وقوع حادثه در تکمیل پازل اطلاعات گردآمده توسط تاریخ‌شفاهی، کمک بزرگی خواهند کرد. در داده‌های تاریخ‌شفاهی تعیین زمان، مکان، کیفیت و نحوه بروز حوادث، به‌دقت اسناد تولید شده نیست و کیفیت و کمیت داده‌ها، به‌نسبت جایگاه راوی، متغیر است. از سوی دیگر در تاریخ‌شفاهی چگونگی شکل‌گیری حادثه یا واقعه‌ای قبل از وقوع و همچنین آثار و نتایج حاصله از آن بعد از وقوع، از زوایای مختلف بیان می‌گردد. بدین‌لحاظ اسناد در تکمیل داده‌های تاریخ‌شفاهی در مراحل مختلف انجام آن، چه در مرحله گردآوری اطلاعات شفاهی، چه شناسایی افراد دخیل در حادثه برای انجام مصاحبه و چه در مرحله تدوین و نگارش تاریخ‌شفاهی، اهمیت بسیاری دارد.

اولین کاربرد اسناد در تاریخ‌شفاهی برای تعیین دقیق زمان حادثه و مکان وقوع آن است، زیرا در تاریخ‌شفاهی در اغلب موارد نمی‌توان تاریخ دقیق وقوع را از اقوال مختلف استخراج نمود و روایات ضد و نقیض دیده می‌شود. پس از مشخص شدن زمان و مکان وقوع حادثه در شناسایی منابع‌شفاهی، اسناد اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. براساس اسناد مشخص می‌شود چه افرادی یا گروه‌هایی در هنگام حادثه حضور داشته‌اند. در شناسایی افراد برای انجام مصاحبه (اعم از شفاهی یا مکتوب) هم اسناد به‌کار می‌آیند. هم‌چنین در جریان مصاحبه و طرح سؤال از شاهدان حادثه،



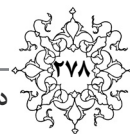
باز هم اسناد جایگاهی ویژه می‌یابد، زیرا محقق با داده‌هایی که از خلال اسناد از کمیت و کیفیت واقعه وجود دارد، به زوایای مبهم و سؤال‌برانگیز واقعه می‌پردازد.

پس از انجام مصاحبه و مراحل آماده‌سازی خاطرات شفاهی جهت استفاده و تدوین تاریخ شفاهی، باز هم اسناد برای سازماندهی فصول و مطالب به یاری محقق می‌آید، زیرا براساس خاطرات نمی‌توان ترتیب وقوع حوادث را به‌دقت مشخص ساخت، چه بسا در نقل روایات این تسلسل پس و پیش شده است. اغلب موارد در اسناد، تاریخ دقیق حادثه یافت می‌شود و براساس این قومیت تاریخی، می‌توان مطالب و خاطرات شفاهی را مرتب کرد (نیکبخت، ۱۳۸۵).

- اجتناب از تعصب و پیش‌داوری: در جریان مصاحبه و تدوین نباید هیچ‌گونه گرایش سیاسی جناحی و ارزش‌انگارانه و پندارانه مانع از عمل جامع و دقیق شود. هر نوع گرایش جانبدارانه مشخصی در اینجا سبب می‌شود که این کار معوج، مختل و ناقص در بیاید (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۰). گاه عرق بومی و علاقه فرد به زادگاه یا بدبینی‌های او نسبت به برخی مسائل در فرایند مصاحبه، سبب روایت اغراق‌گونه و خسته‌کننده حوادث می‌شود. مانند: «... ایشان بسیار فعال بود ... شبانه‌روز فعالیت می‌کردند ... اولین پایگاه را ایشان درست کردند، اوایل کمیته را درست کردند ... و از اولین گروه‌هایی بودیم که ... را جلوی درب مدرسه ایجاد کردیم ... افتخار می‌کنم که از اولین گروه‌هایی بودیم که داخل دبیرستان ... را می‌خواندیم. ... افرادی که آن‌زمان غره بودند الان یک مهره سوخته هستند چه از نظر اجتماعی چه از نظر خانوادگی. ... همان طوری که الان متأسفانه دیده می‌شود که چهره‌های مذهبی جایی ندارند آن‌زمان هم جایی نداشتند...» (سجادی معصومی، مصاحبه، ۱۳۹۴) یا سعی در اینکه فقط مردم یک خطه قهرمان نامیده شوند یا حتی باقی مناطق در جرگه معاندین و مخالفان معرفی گردند. در چنین حالتی تدوینگر ناچار است با سؤالات تکمیلی، تأیید مجددی از راوی بگیرد و خود نیز با استفاده از منابع مؤثق از صحت آنچه مطرح شده اطمینان یابد تا بتواند هنگام تدوین از علائم نگارشی خاص نقل قول مستقیم (تا مشخص شود فقط دیدگاه راوی چنین است) و پاورقی (در صورت وجود ارائه اطلاعات صحیح و متقن به خواننده) استفاده نماید.

متن تاریخ شفاهی قابل نقد است و برای این منظور حتی می‌توان از جست‌وجوی اینترنتی جهت یافتن حقیقت ماجرا بهره گرفت، چراکه واقعه و رخداد واحد است اما برداشت و تصویر ذهنی افراد متفاوت است (کاظمی، ۱۳۹۵). در این راستا ذکر موارد زیر ضروری است:

- ذکر اصطلاحات، لغات و مکان‌ها به زبان مصاحبه‌شونده: ذکر اصطلاحات، لغات، مکان‌ها و غذاهایی که مصاحبه‌شونده در مصاحبه خود به زبان محلی می‌گوید، بر جذابیت و سندیت متن می‌افزاید.
- استفاده از پاورقی: معنا و مفهوم اصطلاحات و لغاتی همچون موارد زیر را، باید در پانوشت



تدوین ذکر کرد:

نام فعلی مکان‌ها؛ اطلاعات بیشتر در مورد اشخاص؛ معرفی شهر و روستا؛ رفع ابهامات تشابهات اسمی و مکانی که وجود دارد؛ شعر و توضیح وقایع تاریخی.

در متن تدوین شده باید به شهادتی که نام آن‌ها در خاطرات یا حوادث راوی بیان می‌شود، احترام گذاشت. حداقل احترام این است که تاریخ تولد و شهادت آن‌ها را در پانویس متن بیان کرد. جست‌وجوی اینترنتی جهت به دست آوردن این اطلاعات پیشنهاد می‌شود. می‌توان با استفاده از پانویس و انجام پژوهش‌های مکمل - ممکن است جهت تأیید یا تصحیح یا تکمیل سخنان راوی یا نفی و تردید آن‌ها باشد - به صداقت گفتار راوی پی‌برد (کمری، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

- تناسب اجزاء مختلف متن: در متن نهائی تدوین شده از سوی تدوینگر می‌بایست تناسب و پیوستگی اجزاء متن از آغاز تا پایان حفظ شود. در اصطلاح، اندام‌وارگی یعنی سر و دست و پای متن، هرکدام اندازه متناسب داشته باشند (کمری، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). خوانش متن تدوین شده با صدای بلند، به هماهنگ شدن اجزاء متن کمک می‌کند. علاوه بر این، خواندن متن توسط کسانی که در این زمینه صاحب‌نظر و فعال هستند، به بهتر شدن و پیوستگی تدوین کمک شایانی خواهد کرد و می‌توان از پیشنهادات و توصیه‌های آنان بهره گرفت.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان استنتاج کرد که در زمینه تدوین مصاحبه‌های شفاهی، آنچه قابل توجه است ارتباط تنگاتنگ مصاحبه و تدوین است. اگرچه آغاز عملی تدوین بعد از پیاده‌سازی مصاحبه شروع می‌شود، اما در اصل بایستی گفت از همان ابتدای مصاحبه کار تدوین شروع شده است، چراکه از ابتدا نوع روش تدوین باید مشخص باشد تا مصاحبه به آن سمت سوق داده شود. در واقع از مصاحبه ناقص، تدوینی ناقص ارائه می‌شود. پس بایستی به این نکته توجه کرد که مصاحبه‌گر در حین مصاحبه دقت لازم را داشته و نکاتی چون دقیق گوش کردن، پرسیدن سؤالات جزئی از زمان، مکان و موقعیت فرد و ... که از ضروریات است را مدنظر داشته باشد.

تدوین مصاحبه را بهتر است مصاحبه‌گر برعهده داشته باشد یا حداقل مصاحبه‌گر و تدوینگر با هم هماهنگی خیلی زیادی داشته باشند. در کنار این مسئله تدوینگر می‌بایست در تدوین خاطرات و روایات شفاهی نکاتی را مدنظر داشته باشد، از جمله موارد زیر:

- بدون هیچ‌گونه تعصب و غرض‌ورزی متن را از اطلاعات غیرضروری چون حشو و زوائد و ... پیراسته کند؛

- در چینش مطالب سیر زمانی و توالی رویدادها را رعایت نماید؛

- با افزودن و کاستن‌هایی در متن با پاورقی یا پانویس، انجام و اجرای پژوهش‌های مکمل

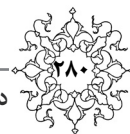




- که ممکن است تائید یا تصحیح یا تکمیل سخنان روای یا نفی و تردید آن‌ها باشد، بر استناد گفته‌ها و راستی آن‌ها بیافزاید؛
- گفته‌های مصاحبه‌شونده را که به زبان شفاهی است به زبان نوشتار و معیار تغییر دهد تا نوشته‌ها از درهم‌ریختگی خارج شوند؛
  - برای خوانش بهتر متن از علائم نگارشی چون علامت سؤال، علامت تعجب، ویرگول و ... در جای مناسب استفاده کند؛
  - با رفع تناقص و گویاسازی جملات و کلمات طوری که معنای ثانوی بر آن مترتب نشود، ابهامات را از متن بزداید؛
  - در پایان، خوانش متن تدوین‌شده با صدای بلند، به هماهنگ‌شدن اجزاء متن کمک خواهد کرد. علاوه بر این، خواندن متن توسط چند نفر دیگر نیز به بهترشدن تدوین کمک شایانی می‌کند و می‌توان از پیشنهادات و توصیه‌های آنان بهره گرفت.

#### منابع:

- آذربورن، برایان دی و سایر، ریچارد (۱۳۸۷). چگونه زندگی‌نامه بنویسیم. ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سوره مهر.
  - اسکندری ساروجی، ابوالفضل (۱۳۹۵). مقایسه خاطره‌نگاری و تاریخ‌شفاهی در تاریخ‌نگاری / انقلاب اسلامی. بازبایی‌شده در ۱۵ دی ۱۳۹۵، از وبگاه: <http://salehon.ir>
  - ایمانی‌نسب، قربانعلی (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - پویا، غلامرضا (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - جواهری، اشرف (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - جودکی، صمد (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - حسینی‌نسب، سیدمحمد (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - حقیقی، هوشنگ (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - داودآبادی، حمید (۱۳۹۵). مثل آب خوردن (شیوه خاطره‌نویسی آسان). تهران: نشر نارگل.
  - ربیعی، قربان (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - شیوه‌نامه تاریخ‌شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (۱۳۹۲). منتشرشده بر روی وب‌وبگاه: <http://www.nlai.ir>
- کد ۲۰۱۳. صص ۳۴ و ۳۵.
- سجادی معصومی، اعظم (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
  - شریفی، علی (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.



- صفایی، حسین (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
- عزیزی، غلامرضا. (۱۳۹۵). تدوین در تاریخ شفاهی. بازیابی شده در ۱۵ آذر ۱۳۹۵، از وبگاه: [www.oral-history.ir](http://www.oral-history.ir)
- کارگاه تخصصی مصاحبه و تدوین خاطرات انقلاب اسلامی (۱۳۹۵). حوزه هنری اراک، آرشیو دفتر مطالعات هنری.
- کاظمی، محسن (۱۳۹۵). تاریخ شفاهی. زمانه. شماره ۲۸.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۴). پرسمان یاد (گفتارهایی در باب خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی جنگ و جبهه/ دفاع مقدس). ویراستار نسرین خادمی خالدی. تهران: صریر.
- مرادی، فاطمه (۱۳۹۴). ذات تاریخ شفاهی مردمی است. گزارش تکمیلی دهمین نشست تخصصی تاریخ شفاهی ایران. بازیابی شده در ۱۴ بهمن ۱۳۹۵، از وبگاه: [www.oral-history.ir](http://www.oral-history.ir)
- مطیعی، محمدحسین (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
- معصومی، احمد (۱۳۹۴). مصاحبه‌کننده ساره مشهدی، مریم حاجی‌زاده.
- نیکفام، یوسف (۱۳۹۳). تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در اراک. به کوشش دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان مرکزی. قم: اندیشه صادق.
- نوروند، فاطمه (۱۳۹۰). شیوه‌های تدوین تاریخ شفاهی در ایران، گزارش هفتمین همایش تخصصی تاریخ شفاهی. هفته‌نامه تاریخ شفاهی، شماره ۵۸.
- نیکبخت، رحیم (۱۳۸۵). اسناد و تاریخ شفاهی معاصر ایران. ماهنامه الکترونیکی دوران، شماره ۹.

